

سامری‌ها چه کسانی هستند؟

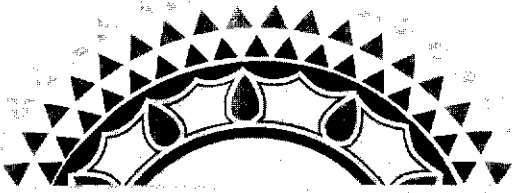
محمد شمسی



(Shalum)، منحم (Menahem)، په تحیا (Petahya)، په قح (Peghah) و هوشع (Husha) به سلطنت رسیدند. سلاطین مصر و سوریه علیه آشور به‌پاخاستند، هوشع نیز آنان را همراهی کرد. سالمانازار (Salmanazar) پادشاه آشور به سوریه و اسرائیل حمله کرد و پس از دستگیری هوشع، شومرون را به محاصره درآورد. اهالی شومرون سه سال مقاومت کردند تا اینکه سارگون جانشین سالمانازار به سال ۷۲۱ ق.م آن را تسخیر کرد.

عمری (Omri) (۸۷۵-۸۸۵ ق.م)، ششمین پادشاه اسرائیل، شهر شومرون (سامره) را ساخت و پایتخت قرار داد. پس از عمری پسرش احاب (Ahav) به سلطنت رسید. او بزرگترین پادشاه اسرائیل بود. با دولت یهودا در حال صلح زیست و به آبادی و استحکام کشور پرداخت. پس از وی فرزندش احزیا (Ahazia)، سپس یهورام (Yehoram)، یهو (Yehu)، یهو آحاز (Yehvahaz)، یواش (Yoash)، یاریعام (Yarbam)، زکریا (Zakarya)، شلوم

در صد سال اخیر محققان غربی کوشش فراوانی برای شناخت و شناساندن تاریخ، آداب و رسوم و عقاید فرقه سامری به عمل آورده‌اند. این نوشتار درباره همین فرقه است. پس از سلیمان (ع)، پسرش رحبعام به سلطنت رسید. بجز دو طایفه یهودا و بنیامین که با سلطنت رحبعام موافق بودند، دیگر اسباط با وی مخالفت ورزیدند، تا اینکه کشور به دو قسمت تجزیه شد: قسمت شمالی و شرقی را اسرائیل نامیدند و قسمت جنوبی "یهودا" خوانده شد.



وی تعداد زیادی از اهالی این شهر را به آشور، حابور و شهرهای ماد تبعید و قبایل دیگری را جایگزین آنها کرد. یک سال بعد، بازماندگان اسرائیل بار دیگر به اتفاق مصر علیه آشور شورش کردند، اما سرکوب شدند و دولت اسرائیل پس از ۲۱۰ سال منقرض شد.

براساس نوشته‌های که مربوط به سال ۷۰۷ ق.م است، سارگون همه اهالی شومرون را تبعید نکرد، بلکه از حدود ۶۰ هزار تن ساکن آن، تنها ۲۷ هزار و ۲۹۰ تن رانده شدند و بازماندگان که غالباً سامری بودند از آن هنگام تاکنون در آن شهر زندگی می‌کنند. دیگر یهودیان مدعی‌اند، افراد منتقل شده از آشور و دیگر مناطق به شومرون، با افراد محلی آمیخته و ملتی "دورگه" به نام شومروتیم (سامری‌ها) به وجود آورده‌اند و به این ترتیب رسوم و عادات بیگانه جای آداب و رسوم مذهبی یهود را گرفته است. از این رو یهودیان فرقه سامری را از خود نمی‌دانند. این درحالی است که انسان‌شناسان تصدیق کرده‌اند که سامری‌ها اسرائیلیان اصیل هستند.

در تلمود آمده است:

"انسان‌ها به یهودی، سامری و غیریهودی تقسیم شده‌اند. نیز: "سه چیز است که یک یهودی باید از آن دوری کند، روح خبیث، سامری و قانون غیرصریح"، همچنین یکی از رساله‌هایی که بعد از دوران میشنا تدوین شده و در تلمود است کوتیم (kutim) -سامری‌ها- نام دارد که درباره مراسم مذهبی سامری‌ها و تناقض آن با مراسم دینی دیگر یهودیان است.

خود آنها واژه "هشومرونیم" که تنها یک بار در عهد عتیق و آن هم در سفر دوم پادشاهان ۲۹: ۱۷ آمده و معنی اصلی آن "اهالی سامره" است، را در مورد خود به کار نمی‌برند، بلکه خود را "شمریم" که از واژه "شومریم" و به معنای نگهبانان و محافظان "تورات" است، می‌خوانند.

کوه گریزیم

کوه گریزیم در کنار نابلس قرار دارد و نزد سامری‌ها مقدس و مورداحترام است، زیرا طبق عقاید آنها گل آدم از آن کوه گرفته شد، خلقت آدم در آنجا صورت گرفت، آدم و حوا آنجا با یکدیگر ملاقات کردند، نوح آنجا قربانی کرد و کشتی نوح در آن کوه قرار گرفت، همچنین ابراهیم پسر خود را برای قربانی به آن کوه آورد و بالاخره محل برپایی معبد در آنجاست.

یوسفوس (Josephus) مورخ یهودی می‌نویسد: سامری‌ها در عصر اسکندر معبد خود را بر کوه گریزیم ساختند (۳۲۳ ق.م) و این معبد در

سال ۱۲۸ ق.م توسط یوهانس هیرکانوس تخریب شد.

این درحالی است که یهودیان اصالت معبد سامری‌ها را رد کرده و معتقدند معبد واقعی در عصر سلیمان در بیت‌المقدس ساخته شد.

زندگی اجتماعی و خانوادگی

ازدواج و زندگی زناشویی در میان سامری‌ها بسیار بااهمیت است. مادران فرزندان خود را در خانه به دنیا می‌آورند. اگر نوزاد پسر باشد، مادر باید ۴۰ روز در منزل بماند و اگر دختر بود ۸۰ روز و در این مدت نباید به شیء مقدسی نزدیک شود، زیرا نجس و ناپاک است.

پسران روز هفتم ختنه می‌شوند و دختران روز سوم. ختنه بلافاصله پس از نماز صبح صورت می‌گیرد و این کار توسط پدر یا کاردی مخصوص (طبق آنچه که در پیدایش ۱۰: ۱۷-۱۴ و ۲۱: ۴ آمده) انجام می‌شود. اگر پسری ختنه نشود باید به قتل برسد، زیرا جزء اسرائیل به‌شمار نمی‌آید. نامگذاری کودک توسط کاهن صورت می‌گیرد و نام یکی از بزرگترهای خانواده- چه آنها که در قید حیات هستند و چه کسانی که درگذشته‌اند- بر کودک گذاشته می‌شود.

نوه پسری کاهن همیشه به نام پدربزرگ خود خوانده می‌شود.

قانون ارث به گونه‌ای است که پسر بزرگتر ۳ قسمت، فرزندان بعد ۱ قسمت و دختران یک دوم سهم ارث می‌برند.

شمار افراد و قوانین حاکم بر آنها

۶ قرن قبل از میلاد تعداد سامری‌ها به ۵۰۰ هزار تن می‌رسید، در عصر عیسی ۳۰۰ هزار تن بودند، در سال ۱۳۵۰م. به ۵۰ هزار تن تقلیل یافتند و در سال ۱۷۵۰ تنها ۷۰ تن از ایشان باقی ماند، اما به تدریج بر تعدادشان افزوده شد، به طوری که در سال ۱۹۹۴ به ۵۶۳ هزار در سال ۱۹۹۵ با کمی افزایش به ۵۷۲ تن رسیدند.

سامری‌ها دارای حرفه‌های مختلفی هستند، مانند معلم، کارگر، پیشه‌ور و ...

هنگامی که یک فرد سامری فوت می‌کند او را درحالی که پاهایش رو به گریزیم است روی تختی قرار می‌دهند و گاهی فصل‌های ۳۲ و ۳۳ سفر تثبیه را که درباره دعای موسی برای بنی‌اسرائیل است، بر وی قرائت می‌کنند. فردی سامری میت را شسته، به او لباس‌های نو می‌پوشاند و در صندوقی می‌گذارد، زیرا سامری‌ها مجاز نیستند به میت دست بزنند. (سفر لاویان ۱: ۲۱) پس از آن صندوق را

درون تابوتی می‌گذارند و به شمال شرقی گریزیم منتقل می‌کنند. در این مکان تمام خمسه موسی در مدت ۴ ساعت خوانده می‌شود (بجز فصل آخر سفر تثبیه)، سپس میت را در قبر قرار می‌دهند و در پایان کاهن فصل آخر سفر تثبیه را قرائت می‌کند. همه این امور باید تا ۲۴ ساعت پس از فوت صورت گیرد.

زمانی که یک سامری قصد انجام کار مهمی را دارد، نخست باید با کاهن به‌عنوان بالاترین قاضی مشورت کند، ضمن اینکه یک شورای مذهبی متشکل از کاهن و روحانیون و فضلا مسوول اجرای قانون هستند.

سامری‌های تاجر و کشاورز، باید یک‌دهم از درآمد خود را به روحانیون بدهند.

در کنیسیای سامری‌ها صندلی و نیمکت وجود ندارد و همه روی فرش می‌نشینند، همانند مسلمانان هنگام نماز سجده می‌کنند و برخلاف یهودیان هنگام ورود به کنیسا کفش‌های خود را درمی‌آورند.

شایات (شنبه) روز عبادت است. در این روز هیچ کاری نباید انجام داد. سفر دریایی ممنوع و سفر خشکی نیز در صورت لزوم تا دو کیلومتر مجاز است. در غیر این صورت نباید حتی در خیابان‌ها قدم زد، بلکه باید درون منزل ماند. در این روز نزدیکی با همسر نیز جایز نیست.

همچنین نباید آتش روشن کرد و از این رو نمی‌توان سیگار کشید و یا با فلاش عکس گرفت. حتی نباید در منزل اجاق گرم داشت- هرچند که هوا سرد باشد- یخچال نیز نباید روشن باشد.

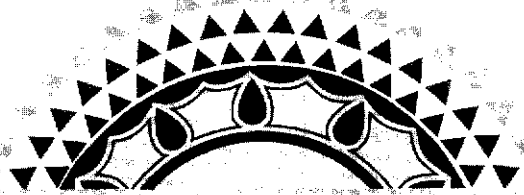
سامری‌ها بلندقدترین افراد خاورمیانه هستند، با لب‌های کلفت، دست‌های بلند اما باریک و انگشتان کشیده.

رهبران مذهبی آنها نباید مو و یا صورت خود را بتراشند. آنان عمامه‌ای قرمز بر سر می‌گذارند که درحقیقت در دوران اسلامی به دستور یکی از خلفا برای شناخته شدن آنها از دیگران مرسوم شد.

اعیاد

سامری‌ها فقط اعیادی را که در تورات موسی ذکر شده جشن می‌گیرند و به آنچه که بعد از موسی (به استثنای یوشع) اتفاق افتاده ایمان ندارند. یعنی یوریم و حنوکا از نظر آنها اتفاقات معمولی است. روش هاشانا که براساس عقیده سامری‌ها جشن یادآوری ولادت موسی است، روز اول ماه هفتم است، اما دیگر یهودیان این روز را به‌عنوان آغاز سال نو جشن می‌گیرند.

یوم کیپور در این روز هر سامری بالاتر از یک سال، باید از غروب آفتاب یک روز، تا غروب آفتاب



روز دیگر روزه بگیرد و از خوردن هرگونه غذا و نوشیدنی پرهیز کند. بزرگسالان هنگام روزه نه تنها به دعا مشغولند، بلکه بدون وقفه تمام خمسه موسی را قرائت می‌کنند.

عید سایبانان یا سکوت در روز ۱۵ ماه ۷ جشن گرفته می‌شود و ۷ روز به طول می‌انجامد. سامری‌ها سوکا را در سالن پذیرایی منزل خود برپا می‌کنند و سقف آن را از انواع میوه می‌پوشانند. (سفر لاویان ۲۲: ۲۳ در این باره است.)

یوم تورا طبق سفر لاویان ۳۶: ۲۳، این جشن بلافاصله بعد از عید سایبانان به مدت یک روز برپا می‌شود. در این روز هر سامری با سواد ۱۰ ساعت بدون وقفه تورات را قرائت می‌کند.

در موعده پسخ (فصح) سامری‌ها در کوه گریزیم قربانی می‌کنند. هر خانواده برای قربانی، باید بره‌ای داشته باشد و در صورت عدم توانایی تهیه آن، چند خانواده به طور مشترک یک بره قربانی می‌کنند. هنگام فصح سامری‌ها ۷ روز در کوه گریزیم به سر می‌برند و در این مدت چیزی بجز سیزی و نان فطیر نمی‌خورند.

تورات سامری‌ها

سامری‌های توراتی دارند که با تورات یهودیان تفاوت‌هایی دارد. برخی از این اختلافات اساسی و مهم است، به طوری که باعث شکاف بین آنها شده و برخی دیگر تنها اختلاف زبانی است. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

پیدایش ۲: ۱

پیدایش ۲۷: ۱

پیدایش ۱: ۳

پیدایش ۱: ۵

پیدایش ۴: ۸

پیدایش ۲: ۱۱

پیدایش ۷: ۱۲

پیدایش ۲۲: ۱۷

پیدایش ۲: ۱۸

تورات یهودی

و روح خدا

پس خدا آدم را به صورت خود آفرید، ایشان را نر و ماده آفرید

و مار که...

این است کتاب پیدایش آدم در روزی که خدا آدم را آفرید. شبیه خدا او را ساخت

کشتی (نوح) بر کوه‌های آرات قرار گرفت

در زمین شتار

و خداوند بر ابرام ظاهر شد

و خدا... از نزد ابراهیم صعود فرمود

اینک سه مرد

تورات سامری
بادهایی از جانب خدا
و خدا آدم را به قدرت خود آفرید و او را به صورت ملائکه خلق کرد.

و ثعبان که...

این است شرح آدم در روزی که خدا آدم را آفرید. به صورت ملائکه او را خلق کرد.

کشتی (نوح) بر کوه‌های سرندید قرار گرفت. در زمین عراق

و فرشته خدا بر ابرام ظاهر شد

و فرشته خدا از نزد وی عروج کرد.

اینک سه فرستاده

فرجام شناسی

سامری‌ها نیز در انتظار ظهور موعودی هستند که او را "تاهب" می‌نامند. این واژه را "مبشر" (بازگشت‌کننده)، ترجمه کرده‌اند.

دوره قبل از ظهور وی را "قانونا" یعنی دوره ناخشنودی خدا می‌نامند. زیرا انسان از راه‌های خداوند منحرف شده و تنها از طریق توبه از گناه‌هایی می‌یابد. آن هنگام است که رضایت و خشنودی خداوند حاصل می‌شود و این با ظهور تاهب قرین خواهد بود. دوره پادشاهی و حکومت او را که همراه با عدل و داد است "راخوتا" نامند. و آن‌گاه که تاهب درگذرد او را در کنار یوسف به خاک سپارند.

درباره شخصیت تاهب در میان سامری‌ها عقاید متضادی وجود دارد. او در عصر آدم زاده شد. یعنی هنگامی که آدم بیست ساله بود.

قبل از ظهور وی جهان پر از گناه، معصیت، نآرامی، آشوب، کفر، جنگ، زلزله و قحطی خواهد بود، نیز ستاره‌ای عجیب در آسمان دیده خواهد شد. آن‌گاه که ظهور کند الواح تورات را که در غاری در کوه گریزیم است و هیچ‌کس محل دقیق آن را نمی‌داند، همراه خواهد داشت. همچنین صندوق عهد، عصای موسی و بشقابی از من با خود خواهد آورد.

ادبیات سامری

تاکنون ۱۱۲ نسخه دست‌نوشته که متعلق به سامری‌ها است، کشف شده که بیشتر آنها در کتابخانه‌های اروپا نگهداری می‌شوند. "مرقا" پسر عمارم فیلسوفی بود که در سال ۳۰۰ م. زندگی می‌کرد. او مورد احترام سامری‌ها است و "عمار مرقا" را نوشت که می‌توان آن را "تعلیم مرقا" ترجمه کرد. این کتاب مهمترین نوشته سامری پس از خمسه موسی و ترگوم است. مرقا کتابی نیز به نام "اندیشه‌های مرقا" نوشت.

سامری‌ها کتابی دیگر به نام "اساطیر" دارند که معادل قانون شفاهی یهودیان است. آنان کتاب مذکور را به موسی نسبت می‌دهند، ولی محتوای آن خلاف این مطلب را ثابت می‌کند.

در قرن دهم میلادی سامری‌ها کتاب‌های خود را به عربی ترجمه کرده و یا به این زبان می‌نوشتند، اما کتاب‌های دیگری دارند که به خط آرامی است.

سامری‌ها معتقد به میدراش و یا تلمود نیستند. به عقیده آنان از آدم تا موسی ۲۶ پیامبر ظهور کرد. مقام موسی نزد سامری‌ها بسیار بالاتر از مقام او نزد دیگر یهودیان است. همچنین ابراهیم را بسیار ارج می‌نهند، اما برخلاف یهودیان برای شخصیت‌هایی چون سلیمان و داوود چندان ارزشی قائل نیستند و آنها را قبول ندارند.

شمار اندک سامری‌ها موجب شده بسیاری بر این اعتقاد باشند که آنها به زودی از صفحه تاریخ محو خواهند شد، اما خودشان معتقدند که هرگز از بین نخواهند رفت، زیرا در سیاه‌ترین زمان یعنی قرون وسطی تنها ۵ تن از آنان باقی مانده و در شهرهای مختلف سوریه پراکنده شدند، تا اینکه تصمیم گرفتند در نابلس مستقر شوند و از آن به بعد رو به افزایش گذاشتند. البته این قول چندان صحیح نیست.

سامری‌ها در عهد جدید

از اناجیل چنین برمی‌آید که رابطه یهودیان و سامری‌های عصر عیسی خوب نبود و با هم معاشرت نداشتند و این امر را از گفت‌وگوی زن سامری با عیسی می‌توان فهمید (انجیل یوحنا ۹: ۴ به بعد).

مفسرین معتقدند که عیسی در مثل "سامری نیکو" (که در انجیل لوتا ۱۰: ۲۵ به بعد آمده)، سعی کرده به دشمنی بین یهودیان و سامری‌ها پایان دهد، البته در جایی دیگر در مقابل سامری‌ها موضع‌گیری می‌کند.

منابع:

۱- کتاب مقدس، ترجمه سال ۱۹۰۴

۲- تاریخ یهودیان جهان.

۳- التوراه السامریه.

۴- ماهنامه شوفار.

۵- التوراه العربیه التوراه السامریه.

Dictionary. Vol5. The Anchor-[[

Bible

Det tredje Israel. -7

of New. Testarment Theology.vol3. -8

The New international Dictionary

I Josef Fotspar.-9

Samaritans and Jews-10

Studies in samaritan Manuscripts.-11

The Theology of the Samaritans. -12

[Uppslagsbok Till Bibeln. -13